Journal Future Studies of the Islamic Revolution

3

Vol. 7
Autumn 2026

Research Paper

Received:
02 September 2025
Revised:
02 September 2026
Accepted:
09 September 2026
Published:
23 September 2026
P.P: 135-160

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5285

Strategies for Enhancing the Political Intellectual Endeavor of the Clergy in the Governance Process of the Second Phase of the Islamic Revolution*

Gholamreza Behrozilak[1] | Alireza Abolfathi[*2]

Abstract

The present study aims to elucidate strategies for strengthening the political thought of the clerical institution in the governance process of the Second Step of the Islamic Revolution. Employing a qualitative approach, the research relied on content analysis of semi-structured interviews with 24 academic and seminary elites (selected through purposive snowball sampling) as well as a review of existing documents. The conceptual framework was grounded in a contextualized definition of key terms and a localized knowledge management model encompassing three components: the production, dissemination, and reproduction of political ideas.

The findings, derived from a SWOT analysis, indicate that the clerical institution benefits from strengths such as jurisprudential authority, social legitimacy, and historical capital; faces weaknesses including the gap between theory and practice and deficiencies in education and research; encounters threats such as secularization trends, cognitive warfare, internal rigidity, and institutional dependency; while also possessing opportunities such as dynamic ijtihad, engagement with the humanities, and civilizational contribution. Elite scoring on a Likert scale revealed the institution's dominant position as "defensive/WT." Based on this, a second round of in-depth interviews was conducted using formalized questions validated by two experts. Integrating the results into the three components of knowledge management, the study proposes strategies such as establishing chairs for governance-oriented ijtihad, compiling an encyclopedia of Islamic governance concepts, advancing interdisciplinary research, developing systematic monitoring and data management networks, enhancing media and discourse-building skills, conducting continuous feedback surveys, forming a council for coordinated political thought, and promoting a culture of reflexivity. The proposed model has the potential to enhance and consolidate the clerical institution's role in idea generation, discursive legitimation, and effective guidance of governance in the Second Step of the Islamic Revolution.

Keywords: Clergy; Political Intellectual Endeavor; Governance; Second Phase of the Islamic Revolution; Knowledge Management.

1. Full Professor, Department of Political Science, University of Baqir al-Ulum, Qom, Iran.
Email: behroozlak@gmail.com
2. Corresponding Author: PhD in Political Science, Department of Political Science, University of Baqir al-Ulum, Qom, Iran.
Email: alirezaabolfathi320@gmail.com

* This article is extracted from a doctoral dissertation.

Cite this Paper: Behrozilak, GH & Abolfathi , A (2026). Strategies for Enhancing the Political Intellectual Endeavor of the Clergy in the Governance Process of the Second Phase of the Islamic Revolution. *Future Studies of the Islamic Revolution*, *3*(7), 135-160.
Doi: https://doi.org/10.47176/fsir.2026.1385

Publisher: Imam Hussein University

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License(CC BY 4.0)

OPEN ACCESS

نشریه علمی آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی

۳

دوره هفتم
پاییز ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۸
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱
صص: ۱۶۰-۱۳۵

شاپا چاپی: ۴۵۲۸-۲۰۰۸
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۰۷۲

راهبردهای کارآمدسازی اندیشه‌ورزی سیاسی روحانیت در فرایند حکمرانی گام دوم انقلاب اسلامی*

غلامرضا بهروزی لک[۱] | علیرضا ابوالفتحی[*۲]

چکیده

پژوهش کنونی با هدف تبیین راهبردهای تقویت اندیشه‌ورزی سیاسی نهاد روحانیت در فرایند حکمرانی گام دوم انقلاب اسلامی با روش کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۴ نخبه حوزوی و دانشگاهی (نمونه‌گیری هدفمند گلوله‌برفی) و مرور اسناد پیشین انجام شد. چارچوب مفهومی پژوهش، مبتنی بر تعریف مختار از واژگان اصلی و سه مؤلفه مدل بومی سازی شده مدیریت دانش«تولید، انتشار و بازتولید ایده‌های سیاسی» است.

در بخش یافته‌ها برآیند SWOT نشان داد: نهاد روحانیت دارای قوت‌هایی چون پشتوانه فقهی، مشروعیت اجتماعی و سرمایه تاریخی؛ ضعف‌هایی چون گسست نظر و عمل و کاستی‌های آموزشی–پژوهشی؛ تهدیدهایی چون روند سکولاریزاسیون، جنگ شناختی، تحجر درونی و وابستگی نهادی؛ و فرصت‌هایی چون اجتهاد پویا، تعامل با علوم انسانی و نقش‌آفرینی تمدنی است. امتیازدهی نخبگانی با مقیاس لیکرت، وضعیت غالب نهاد را «تدافعی/WT» نشان داد. بر این مبنا با سوالات فرمالیته شده تحت نظر دو خبره، مصاحبه‌های تعمیقی مرحله دوم انجام و با ادغام داده‌های احصاء شده در سه مؤلفه مدیریت دانش، راهبردهایی چون ایجاد کرسی‌های اجتهاد حکمرانی، تدوین دایرةالمعارف مفاهیم حکمرانی اسلامی، توسعه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، ایجاد شبکه‌های نظام‌مند رصد و مدیریت داده، تقویت مهارت رسانه‌ای و گفتمان‌سازی، اجرای نظرسنجی‌های مستمر بازخوردگیری، تشکیل شورای هماهنگی اندیشه‌ورزی و ترویج فرهنگ بازاندیشی، ارائه گردید. مدل پیشنهادی بدست آمده ظرفیت ارتقا و تثبیت نقش روحانیت در ایده‌پردازی، مشروعیت‌بخشی گفتمانی و هدایت کارآمد حکمرانی گام دوم انقلاب اسلامی را داراست.

کلیدواژه‌ها: روحانیت، اندیشه‌ورزی سیاسی، حکمرانی، گام دوم انقلاب اسلامی، مدیریت دانش.

۱. استاد تمام، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه¬السلام، قم، ایران.
Email: behroozlak@gmail.com

۲. نویسنده مسئول: دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران.
Email: alirezaabolfathi320@gmail.com

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری می‌باشد.

استناد: بهروزی‌لک، غلامرضا و ابوالفتحی ، علیرضا (۱۴۰۵). راهبردهای کارآمدسازی اندیشه‌ورزی سیاسی روحانیت در فرایند حکمرانی گام دوم انقلاب اسلامی. **نشریه علمی آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی**، ۳(۷)، ۱۶۰-۱۳۵.
Doi: https://doi.org/10.47176/fsir.2026.1385
ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع)

© نویسنده(گان) حق تکثیر و کلیه حقوق انتشار را برای خود محفوظ می‌دارند.

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی(Creative Commons License- CC BY)در دسترس شما قرار گرفته است.

OPEN ACCESS

مقدمه و بیان مسئله

نهادهای مرجع فکری همچون روحانیت، دانشگاه‌ها و اندیشکده‌ها در شکل‌دهی گفتمان سیاسی، تبیین مبانی مشروعیت و ارائه راهبردهای حکمرانی نقش اساسی دارند. به‌تعبیر کستلز، این نهادها با تولید دانش بومی و هنجارسازی اجتماعی میان ایده و کنش سیاسی واسطه‌گری کرده و الگوهای معنایی مسلط را در عرصه عمومی می‌سازند (Castells, 2009, pp.30-31).

مک‌گن نیز آنها را «پل میان دانش و سیاست» می‌خواند که با شبکه‌سازی نخبگانی، کیفیت مشورت سیاستی و پاسخگویی عمومی را ارتقا می‌دهند (McGann, 2017, pp.373-379).

در جوامع دینی، پیوند میان دین و علم این ظرفیت را دوچندان ساخته و انسجام هنجاری و اثرگذاری بر افکار عمومی را تقویت می‌کند (بشیریه، ۱۳۸۹، ص۱۰۲).

فرایند حکمرانی در ادبیات کلاسیک شامل سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی، اجرا، نظارت و بازخورد است (Pierre & Peters, 2000, pp.10-15). کارآمدی این چرخه وابسته به اندیشه‌ورزی سیاسی نهادهای مرجع است؛ زیرا آنان در صورت‌بندی مسائل عمومی و اصلاح مستمر سیاست‌ها نقشی بنیادی دارند (Fischer, 2003, pp.23-27). در جمهوری اسلامی هم، روحانیت فراتر از یک کنشگر فرهنگی، بازیگری راهبردی در تولید نظریه، هدایت افکار عمومی و مشروعیت‌بخشی به سیاست‌هاست (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰، ص۳۴).

با این حال، تحولات اجتماعی شتابان، فناوری‌های نوین ارتباطی، گسست‌های نسلی و محدودیت در بهره‌گیری نظام‌مند از دانش سیاسی، همراه با ضعف در انتشار و بازخوردگیری ایده‌ها، مهم‌ترین تهدیدهای کاهش نفوذ گفتمانی روحانیت‌اند (نوری گلجایی و همکاران، ۱۴۰۰ش، صص۱۰-۱۶).

از این رو، بازطراحی چرخه اندیشه‌ورزی سیاسی این نهاد در پرتو مأموریت‌های گام دوم انقلاب اسلامی، ضرورتی راهبردی به‌شمار می‌آید؛ مرحله‌ای که با رفع ضعف‌های گذشته و تحقق خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی تعریف شده است (اقبال و همکاران، ۱۳۹۹ش، صص۲۵-۳۲).

مرور ادبیات پیشین نشان می‌دهد اگرچه پژوهش‌های انتقادی عملکرد و چالش‌های روحانیت را توصیف کرده‌اند، اما راهبردهای آینده‌نگر و عملیاتی برای ارتقای اندیشه‌ورزی سیاسی این نهاد کمتر ارائه شده است.

این خلأ به‌ویژه در شـرایط کاهش پیش‌بینی‌پذیری محیط سـیاسـی، ضـرورت بازاندیشـی در روش‌ها و تاکتیک‌ها را برجسـته می‌سـازد. پژوهش حاضـر با رویکردی کیفی و تلفیقی، از مرور پیشـینه، مصـاحبه با نخبگان و تحلیل SWOT بهره می‌گیرد تا الگویی بومی برای مدیریت دانش اندیشه‌ورزی سیاسی روحانیت پیشنهاد کند. این الگو که بر سه مؤلفه «تولید»، «تسهیم» و «بازتولید» اندیشه استوار است، می‌تواند ظرفیت یادگیری نهادی، ارتقای سرمایه اجتماعی و تقویت تاب‌آوری حکمرانی را در پیوند دین و سیاست فراهم آورد.

مبانی نظری پژوهش

چارچوب مفهومی ابزاری برای تعریف ابعاد اصـلی، متغیرهای کلیدی و روابط میان آن‌هاسـت که نقش راهبردی در هدایت پژوهش ایفا می‌کند. این چارچوب با اتکا به ادبیات موجود، سازه‌های مفهومی واژه‌های کلیدی را استخراج کرده و ساختار تحلیل را به‌طور منسجم سامان می‌دهد.

به این ترتیب، پژوهشـگر پیش از گردآوری داده‌ها، از طریق تبیین انتزاعی وابسـتگی‌ها و تأثیر متغیرها، مسیر منطقی تحلیل را روشـن سـاخته و دامنه مطالعات را محدود می‌کند؛ اهمیتی که در پژوهش‌های کیفی و کاربردی به دلیل نیاز به فهم عمیق‌تر روابط دوچندان است (براتلو، ۱۴۰۲ش، صص. ۱۲۱-۱۲۲).

در پژوهش حاضر، مفاهیم کلیدی بر سه مؤلفه اصلی استوارند: «توانش تولید ایده‌های سیاسی»، «توانمندی تسـهیم ایده‌ها» و «توانمندی بازخوردگیری و بازتولید». این سـه مؤلفه با بهره‌گیری از نظریه‌های مدیریت دانش (Freeburg, 2015, pp.1-10) طراحی و بومی‌سـازی شـده‌اند تا فرایندی را تبیین کنند که طی آن نهاد روحانیت ایده‌های سیاسی را تولید، توزیع و بازآفرینی کند؛ فرایندی که شرط ضروری ایفای نقش مرجعیت فکری این نهاد متناسب با الزامات حکمرانی گام دوم انقلاب اسلامی است.

با پیوند این سه مؤلفه، اندیشه‌ورزی سیاسی روحانیت به‌مثابه نظام چرخه‌ای و سیستمی بازنمایی می‌شود که در آن تولید، تسهیم و بازخوردگیری در تعامل مستمر قرار دارند و رویکرد سیبرنتیک[1] نیز بقای کارآمد روحانیت را به چرخه‌ای پایدار و خودتنظیم وابسته می‌داند. همچنین سازه مفهومی و تعریف مختار از واژگان کلیدی در پژوهش کنونی به شرح ذیل است:

1 Cybernetics

مفهوم راهبرد

راهبرد به‌عنوان طراحی آگاهانه مسیر حرکت مطرح است؛ مفهومی که مینتزبرگ «الگوی تصمیمات در طول زمان» و ابزاری برای انطباق با شرایط متغیر می‌داند (Mintzberg, 1987: 12)، پورتر آن را تصمیمی آگاهانه برای کسب مزیت رقابتی پایدار تلقی می‌کند (Porter, 1996: 68) و شیلینگ بر نقش آن در «ایجاد مسیر آینده» تأکید دارد (Schilling, 2023: 13-131).

با تلفیق این رویکردها و دیدگاه آنسوف (Ansoff, 1957: 113-120)، راهبرد فرایندی پویا، منعطف و چندلایه تعریف می‌شود که در این پژوهش به‌منزله هدایت اندیشه‌ورزی سیاسی روحانیت در چارچوب اهداف کلان حکمرانی انقلاب اسلامی در افق راهبردی گام دوم تبیین می‌گردد.

مفهوم کارآمدی

این مفهوم معیار بنیادین سنجش موفقیت است و ترکیبی از اثربخشی و بهره‌وری تلقی می‌شود (Drucker, 2007: 12). در حکمرانی، این مفهوم با پاسخگویی، بهینه‌سازی منابع و تحقق رفاه اجتماعی پیوند دارد (OECD, 2021). در گام دوم انقلاب اسلامی، کارآمدی نهاد روحانیت ضامن استمرار مشروعیت و تحقق اهداف تمدنی نظام اسلامی است و به توانایی تحلیل شرایط، تدوین راهبرد پاسخگو و بهره‌گیری بهینه از سرمایه‌های انسانی و معرفتی وابسته است. پیامد آن نیز ترجمه ایده‌های سیاسی به سیاست‌های عملیاتی کارآمد و در نهایت حفظ ثبات، تطبیق با شرایط جدید، جلب مشارکت و تأمین عدالت و رفاه عمومی با رویکرد الهیاتی است (نبوی، ۱۳۹۷ش، صص. ۲۶-۳۴).

مفهوم اندیشه‌ورزی سیاسی

این مفهوم پلی میان تأمل انتقادی و کنش سیاسی است؛ هابرماس آن را در قالب گفت‌وگوهای عقلانی حوزه عمومی و با هدف جست‌وجوی خیر مشترک تبیین کرده است (Habermas, 1991: 109)، در حالی که پساساختارگرایانی چون موف بر نقش قدرت و تقابل گفتمان‌ها تأکید دارند (Mouffe, 2005: 52).

در عصر دیجیتال، این فرایند هم با تهدید سطحی‌شدن ایده‌پردازی و هم با فرصت گسترش مشارکت مواجه است (Bennett & Pfetsch, 2018: 248).

در پژوهش کنونی با رویکرد اسلامی، اندیشه‌ورزی کارآمد صرفاً به معنای «فکر کردن» نیست، بلکه فرایند نظام‌مند و روشمند برای تولید، پردازش و تبدیل ایده به عمل است که منبع معرفت در آن، ترکیبی از عقل، وحی و تجربه بشری است و غایت نهایی، هدایت جامعه به سوی قرب الهی و تحقق عدالت در چارچوب یک نظام ارزشی دینی است. بنابراین «کارآمدی» در اینجا معنایی فراتر از کارایی (فنی) رایج در غرب دارد و شامل «مشروعیت الهی» و «اثربخشی اخروی» نیز می‌شود.

نهاد مرجع فکری روحانیت

نهاد روحانیت با پشتوانه تاریخی، ساختار رسمی و اعتبار اجتماعی، همواره از مرجعیت معرفتی و مشروعیت‌بخش برخوردار بوده است. هابرماس مشروعیت نهادهای مرجع فکری را در گرو گفت‌وگوی عقلانی و شفافیت روش‌شناختی می‌داند (Habermas, 1991: 176-180) که در روحانیت متبلور است. با این حال، در عصر افول مرجعیت‌های مطلق و ظهور شبکه‌های غیرمتمرکز، این جایگاه سنتی به چالش کشیده شده است (Castells, 2000, pp. 8-14).

بنابراین، در افق راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی، نهاد روحانیت زمانی کارآمد خواهد بود که نقش خود را میان سنت و نوآوری بازتعریف کرده و از طریق تولید دانش سیاسی و حکمرانی بومی با رویکرد دینی و هدایت گفتمانی، جایگاه بی‌بدیلی در حکمرانی جمهوری اسلامی داشته باشد و خود را مداوم بازتولید کند.

مفهوم حکمرانی

حکمرانی نیز به‌مثابه فرایند هدایت هدفمند جامعه مطرح است (مدرسه عالی حکمرانی شهید بهشتی، ۱۴۰۱ش). در نظریه‌های معاصر سکولار، الگوهایی چون «حکمرانی خوب» بر مؤلفه‌هایی چون مشارکت، شفافیت و پاسخگویی تأکید دارند (Rhodes, 2012: 33).

در این پژوهش، با رویکرد مبتنی بر دین و پیش‌فرض‌های ارزشی انقلاب اسلامی، حکمرانی فرایندی چرخه‌ای از تولید اندیشه، ترجمه به راهبرد، سیاست‌گذاری، اجرا و ارزیابی تلقی می‌شود که نهاد روحانیت بیشترین نقش را در مرحله نخست ایفا می‌کند، اگرچه اثر آن در سطوح بعدی نیز نمایان است.

مفهوم گام دوم انقلاب اسلامی

این مفهوم برگرفته از بیانیه مقام معظم رهبری (۱۳۹۷)، چارچوب کلان پژوهش را تشکیل می‌دهد و مقصود از آن در پژوهش کنونی، صرفاً یک مقطع تاریخی نیست، بلکه افقی تمدنی است که بر بازآفرینی ایده‌های سیاسی و ارتقای کارآمدی نهادهای فکری تأکید دارد. در این چارچوب، نهاد روحانیت با تکیه بر سنت معرفتی خود، اندیشه‌ورزی سیاسی کارآمد را سامان داده و در طراحی راهبردهای کلان حکمرانی مشارکت فعال دارد.

نسبت میان مفاهیم کلیدی در این پژوهش چنین تبیین می‌شود: راهبرد ابزار طراحی مسیر حرکت، کارآمدی معیار سنجش موفقیت، اندیشه‌ورزی‌سیاسی فرایند تحقق، روحانیت نهاد هدایت‌کننده، حکمرانی بستر تحقق اهداف و گام دوم انقلاب اسلامی افق راهبردی کلان این منظومه است.

پیشینهٔ پژوهش

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند نهاد روحانیت از عصر صفویه تاکنون نقش محوری در شکل‌دهی گفتمان عمومی و سامان نهادی ایران داشته و همواره میان دو کارکرد مرجعیت دینی و کنشگری سیاسی در نوسان بوده است.

معینی‌پور (۱۳۹۶ش) در مقاله «روحانیت و امر سیاسی» پنج وضعیت تاریخی روحانیت در نسبت با قدرت سیاسی را برمی‌شمرد: همراهی مشروعیت‌بخش، تقیه و نصیحت، اصلاح‌گری، تقابل نهضتی و مباشرت در نهادسازی و تأسیس نظام.

کشاورز و همکاران (۱۴۰۰ش) در مقاله «بررسی زمینه‌های شکل‌گیری تعادل نهادی سنتی در صفویه» بر موازنه پایدار قدرت میان حکومت و روحانیت تأکید دارند.

خراسانی و همکاران (۱۴۰۰ش) در مقاله «بررسی نقش روحانیت و روشنفکری در نهضت مشروطه» نشان داده‌اند روحانیت با قرائت اسلامی از آموزه‌های نوین، جریان مشروطه‌خواهی را بسیج و هدایت کرد.

مطالعات تطبیقی معاصر نیز بر نقش محوری روحانیت در تحولات سیاسی متمرکز بوده‌اند. اکبرزاده (۱۳۸۰ش) در کتاب «نقش رهبری در مشروطه، ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی»، رهبران روحانی این سه رخداد را در سه نقش «ایدئولوگ، بسیج‌کننده و معمار نظام» دسته‌بندی کرده است.

غفاری‌پور (۱۳۹۳ش) در مقاله «نقش حوزه‌های علمیه در حیات و استمرار تمدن اسلامی» به سهم روحانیت در سه نظام فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پرداخته است.

باغستانی و نوروزی (۱۳۹۹ش) در مقاله «بررسی و نقد دیدگاه مستشرقان پیرامون نقش روحانیت در شکل‌گیری انقلاب اسلامی» با مرور دیدگاه مستشرقین، ناآشنایی آنان با ماهیت انقلاب اسلامی را مانع تحلیل درست از نقش مدیریتی روحانیت دانسته‌اند.

در مطالعات اجتماعی-سیاسی معاصر، تمرکز بر منزلت اجتماعی و کنشگری سیاسی روحانیت پررنگ‌تر شده است.

عیسی‌نیا (۱۳۹۹ش) در مقاله «موقعیت روحانیت در جامعه منتظر» با بهره‌گیری از تحلیل SWOT، روحانیت را در وضعیت تدافعی (WT) شناسایی و ضعف در بهره‌گیری از ابزارهای نوین اطلاع‌رسانی را چالشی مهم دانسته است.

وی در پژوهش دیگری (۱۴۰۱ش) با عنوان «بررسی منزلت اجتماعی-سیاسی روحانیت و تغییرات آن در چهار دهه جمهوری اسلامی ایران»، کاهش نسبی منزلت اجتماعی-سیاسی روحانیت را به فقدان مهارت‌های اجتماعی پیوند داده است.

پورعاشور و ملکی (۱۴۰۱ش) در مقاله «نگرش‌سنجی روحانیت نسبت به تحزب در جمهوری اسلامی ایران» به رابطه پرچالش روحانیت با احزاب اشاره کرده‌اند.

بخشی از ادبیات پژوهش بر فاصله روش‌شناختی میان سنت فقهی-حوزوی و ابزارهای تحلیلی نوین تأکید دارد. بدرخوانی در مقاله «ابزارهای نوین ارتباطی و روحانیت»، عدم استفاده از رسانه‌های جدید را عاملی برای کمرنگ شدن ارتباط مؤثر این نهاد با جامعه دانسته است.

پژوهش‌های حوزه مدیریت دانش مانند مقاله فربرگ (Freeburg, 2015, pp.1-10) درباره «پذیرش مفاهیم مدیریت دانش در سازمان‌های دینی» نشان می‌دهند که طراحی سازوکارهای سازمان‌یافته مدیریت دانش (شامل شناسایی، ذخیره، انتشار و کاربرد دانش) ظرفیت نوآوری و تصمیم‌سازی سازمان‌های دینی را به‌طور چشمگیری ارتقا می‌دهد. این شواهد حاکی است که پیوند میان روش‌شناسی نوین مدیریت دانش و سنت اجتهادی روحانیت، بازتعریف رابطه این نهاد با جامعه و حکمرانی را ضروری ساخته است.

جمع‌بندی ادبیات موجود در پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که:

۱. نقش تاریخی و سرمایه نمادین روحانیت در سیاست ایران تثبیت شده است؛
۲. چالش‌های روش‌شناختی، ساختاری و فناورانه بروزیافته، کنشگری سیاسی آن را محدود ساخته است؛
۳. به‌کارگیری چارچوب‌های تلفیقی (شامل مدیریت دانش و تحلیل راهبردی) می‌تواند الگویی کارآمد برای ارتقای اندیشه‌ورزی سیاسی این نهاد فراهم آورد.

با این حال، پژوهشی که این سه حوزه را همزمان در قالب الگویی راهبردی بومی برای نهاد روحانیت ترکیب کند، تاکنون انجام نشده است و نوآوری تحقیق حاضر دقیقاً در پر کردن این خلأ جای دارد. افزون بر این، تأکید بر رویکرد آینده‌پژوهانه و مدیریت دانش می‌تواند ظرفیت یادگیری نهادی، ارتقای سرمایه اجتماعی و تقویت تاب‌آوری حکمرانی را افزایش دهد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از حیث ماهیت و روش کیفی است و با رویکرد تحلیل محتوای مبتنی بر مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مرور اسناد پیشین انجام خواهد شد. انتخاب این روش به دلیل ماهیت چندبعدی موضوع و لزوم دستیابی به داده‌های عمیق و چندلایه از دیدگاه نخبگان بوده است (تبریزی، ۱۳۹۳ش، ص۱۰۹). جامعه آماری شامل نخبگان حوزوی و دانشگاهی آشنا با مبانی اندیشه سیاسی اسلام و نقش نهاد روحانیت در مسائل معاصر ایران و فرایند حکمرانی است که تجربه یا سابقه فعالیت پژوهشی و عملی در حوزه‌های مرتبط با سیاست‌گذاری دینی و حکمرانی را دارند. نمونه‌گیری به روش هدفمند و با تکنیک گلوله‌برفی تحت نظر دوخبره انجام خواهد شد (رحمانی، ۱۳۹۷ش، صص۳۵-۵۰) تا افرادی انتخاب شوند که بیشترین اطلاع، تجربه و بینش را نسبت به موضوع داشته باشند. در مجموع، ۲۴ نفر از خبرگان حوزوی و دانشگاهی در دو مرحله مصاحبه مشارکت خواهند داشت.

در گام نخست، داده‌های اولیه از طریق مطالعه اسناد پیشین و مصاحبه‌های مقدماتی با ۱۲ نفر گردآوری خواهد شد. داده‌های بدست آمده پس از تحلیل مضمون به شیوه استراوس و با اتکاء به قضاوت سه خبره برای تأمین پایایی، در قالب مضامین فراگیر استخراج و سپس در چارچوب تحلیل SWOT، وضعیت کنونی اندیشه‌ورزی سیاسی روحانیت از حیث نقاط قوت، ضعف،

فرصت و تهدید ترسیم و با امتیازگیری نخبگانی از مصاحبه‌شوندگان به روش (likert) تحت نظر دوخبره موقعیت غالب تشخیص داده خواهد شد.

در گام دوم، بر مبنای نتایج بدست آمده از وضعیت‌سنجی و هم‌راستا با موقعیت غالب کشف شده، پرسش‌های تعمیقی طراحی و فرمالیته می‌شود و مبنای مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ نخبه دیگر قرار خواهد گرفت.

داده‌های ثانویه احصاء شده پس از تحلیل مضمون قیاسی و تأمین پایایی توسط دو خبره، به استخراج راهبردهای عملیاتی با توجه به موقعیت فعلی اندیشه‌وزی سیاسی روحانیت، در افق راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی منجر خواهد شد که با چارچوب مفهومی پژوهش ادغام می‌شوند. این چارچوب مبتنی بر الگوی بومی‌شده مدیریت دانش و شامل سه مؤلفه «توانش تولید ایده‌های سیاسی»، «تسهیم و عملیاتی‌سازی ایده‌ها» و «بازخوردگیری توام با بازتولید ایده‌ها» است. ادغام داده‌ها در این چارچوب امکان تبیین نظام‌مند فرایند اندیشه‌ورزی سیاسی روحانیت و ارائه الگوی راهبردی متناسب با الزامات حکمرانی گام دوم انقلاب اسلامی را فراهم می‌آورد.

یافته‌های پژوهش

فرآیند پژوهش علمی تنها با طرح مسئله و ارائه مبانی نظری و روش‌شناختی تکمیل نمی‌شود، بلکه نقطه عطف هر تحقیق، مرحله استخراج و تحلیل نتایج داده‌های گردآوری‌شده است. در این مرحله، ظرفیت‌های نظری و روشی پیشین در مواجهه با واقعیت‌های عینی محک می‌خورند و امکان ارائه راهبردهای عملیاتی فراهم می‌شود. تحلیل یافته‌ها مستلزم انسجام میان طرح پژوهش، ادبیات نظری، روش‌های گردآوری داده و فرآیند تحلیل است (Maxwell, 2013, pp. 12–15).

در پژوهش حاضر، با هدف تبیین «راهبردهای کارآمدسازی اندیشه‌ورزی سیاسی روحانیت در فرایند حکمرانی گام دوم انقلاب اسلامی»، یافته‌ها حلقه اتصال میان نظریه و عمل را شکل می‌دهند و بر اساس گام‌های تعریف شده در بخش روش پژوهش، به شرح ذیل ارائه می‌شوند:

بخش اول: وضعیت‌سنجی

پس از پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته مرحله اول نخبگانی، تحلیل داده‌ها مطابق با الگوی پیشنهادی استراوس و کوربین (۱۹۹۸) و در سه مرحله صورت گرفت:

۱. کدگذاری باز : در این مرحله، متن مصاحبه‌ها به دقت مطالعه شد و هر عبارت، جمله یا پاراگرافی که حاوی یک ایده مستقل بود، به عنوان یک «مفهوم» شناسایی و کدگذاری اولیه گردید. از این مرحله، بیش از ۱۷۰ کد اولیه استخراج شد. به عنوان مثال، عبارت مصاحبه‌شوندهٔ م۲ که می‌گوید: «در زمان‌های بحران، مردم رجوع‌شان به روحانیون برای تحصیل تکلیف و تبیین آن وضعیتی است که در آن قرار گرفته‌اند؛ و این ظرفیت تاریخی هنوز قدرتمند است» با کدهای اولیه‌ای همچون «مرجعیت در بحران»، «تولید معنا» و «سرمایه تاریخی» علامت‌گذاری شد؛

۲. کدگذاری محوری : در این گام، کدهای اولیه مشابه و مرتبط در قالب «مقوله‌های میانی» سازمان‌دهی شدند. برای مثال، کدهای «مرجعیت در بحران»، «تولید معنا»، «اعتماد اجتماعی» و «انسجام‌بخشی» تحت مقوله هسته‌ای وسیع‌تری با عنوان «توانایی بازتولید معنا در بحران‌ها» قرار گرفتند؛

۳. کدگذاری انتخابی : در نهایت، مقوله‌های میانی حول محور «مقوله‌های هسته‌ای» که مستقیماً با سؤال تحقیق و مدل مفهومی بومی‌سازی شده پژوهش (مدیریت دانش) مرتبط بودند، سازمان نهایی یافتند. این مقوله‌های هسته‌ای، در واقع همان چهارچوب SWOT نهایی را تشکیل دادند. برای اطمینان از دقت و عینیت فرآیند کدگذاری، خلاصه‌ای از کدها و تفسیرهای اولیه در اختیار تعدادی از مشارکت‌کنندگان (۳ نفر) قرار گرفت تا نظر نهایی خود را ابراز کنند که منجر به اصلاحات جزیی در برخی کدها گردید.

خروجی نهایی فرآیند کدگذاری،استخراج ۱۹ مضمون اصلی بود که در چهار دسته قوت (۶ مضمون)، ضعف (۴ مضمون)، فرصت (۵ مضمون) و تهدید (۴ مضمون) سازمان‌دهی شدند که این مضامین، ماتریس کیفی اولیه پژوهش را تشکیل دادند. به‌منظور رعایت اصول محرمانگی و اخلاق پژوهش، هویت مصاحبه‌شوندگان محفوظ مانده و صرفاً به اختصار با شماره‌های م۱ تا م۱۲

مشخص شده‌اند. همچنین به برخی منابع اسنادی پیشین مرتبط با هر مضمون اشاره خواهد شد تا انسجام میان داده‌های میدانی و مبانی مستند پژوهش حفظ گردد.

نقاط قوت(S):

داده‌های بدست آمده طبق جدول شماره یک(۱) ذیل نشان می‌دهد که این نهاد، در نسبت با ساختار اجتماعی و بستر تاریخی ایران، از توانایی‌ها و نقاط قوت چندلایه‌ای برخوردار است که هم در سطح پارادایمی و نظریه‌پردازی، هم در سطح نهادی و سازمانی، و هم در عرصه فرهنگی–اجتماعی و کارکرد سیاسی معنا می‌یابد.

جدول شماره ۱

S_1	«توانایی بازتولید معنا و هویت در بحران‌ها به عنوان هسته اصلی مشروعیت‌سازی و بقای نهاد روحانیت»	روحانیت به‌عنوان نهاد معناساز و آینده‌پرداز، در شرایط آنارشیک تاریخی (مانند دوره پسااستعماری)، توانایی بازتولید مشروعیت و هویت دارد. این قابلیت، ریشه در پیوند با تاریخ، مشروعیت دیرینه و شبکه اجتماعی منسجم دارد و در تجربه‌هایی نظیر نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی تبلور یافته است (م۲، م۵، م۸، م۹؛ بیدگلی و زیباکلام، ۱۳۹۸ش، صص. ۱–۱۸).
S_2	«پشتوانه فقهی و اجتهادی به عنوان ستون فقرات حکمرانی جمهوری اسلامی»	ساختار فقهی–اجتهادی روحانیت، بنیان نظری و نهادی قدرت در جمهوری اسلامی را شکل داده و در سطوح پارادایمی (نظریه ولایت فقیه)، نهادی–حقوقی (قانون اساسی و شورای نگهبان)، اجتماعی–مشروعیتی (ترکیب مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی) و حکمرانی (هدایت راهبردی نظام) نقطه قوت برجسته‌ای محسوب می‌شود. این ساختار، پاسخگویی به مسائل نوظهور و تضمین مشروعیت فقهی را تسهیل می‌کند (م۱، م۲، م۶، م۷، م۱۲؛ بالوی و بیات، ۱۳۹۳ش، ص۵۴۹–۵۵۷).
S_3	«ظرفیت‌های نخبگانی و نهادی»	نهاد روحانیت با بازتولید مستمر نخبگان (مطابق نظریه گردش نخبگان پارتو) از انسداد نهادی جلوگیری کرده و پویایی اجتماعی–سیاسی را تضمین می‌کند (طلایی و سنجری‌پور، ۱۳۹۸ش، ص۱۳۱). شبکه یکپارچه حوزه‌های علمیه، بستر نشر گفتمان سیاسی–فقهی را فراهم می‌سازد (م۳، م۴، م۷، م۸، م۱۱).
S_4	«سرمایه‌های فرهنگی و نمادین»	سرمایه‌های نمادین چون استقرار در جغرافیای مقدس (قم و نجف) و اعتماد عمومی ناشی از زی‌طلبگی و سلامت اخلاقی، پشتوانه فرهنگی–اجتماعی مستحکمی برای این

		نهاد ایجاد کرده است (م۱، م۵، م۶، م۱۰؛ رمضانی و همکاران، ۱۴۰۳ش، صص. ۱۷۱-۱۷۸).
S_5	«کارکردهای اجتماعی و سیاسی در نظام اسلامی»	توانایی تبدیل سرمایه دینی به بسیج اجتماعی و کنش سیاسی، امکان حضور مؤثر در میدان سیاست و حکمرانی را برای این نهاد فراهم آورده است. این نقش‌آفرینی هم در عرصه نظر (مرجع دینی) و هم در عرصه عمل (بازیگر سیاسی) تجلی یافته است(م۶، م۷، م۱۰، م۱۱؛ نعمت‌پور و همکاران، ۱۳۹۸ش، صص. ۱-۱۰).
S_6	«پیشینه تاریخی راهبردی»	سابقه مبارزه با استعمار و استبداد در نهضت‌هایی مانند تنباکو، مشروطه و انقلاب اسلامی، سرمایه تاریخی است که همچنان امکان بازتعریف راهبردی نقش روحانیت را فراهم می‌آورد (م۱، م۴، م۵، م۶، م۱۰، م۱۱؛ شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰ش، صص. ۸۵-۹۰؛ خسروی و مسعود، ۱۳۹۱ش، صص. ۹۳-۱۰۵).
پیامد تحلیلی		این نقاط قوت در صورت هم‌افزایی با فرصت‌های بیرونی، می‌توانند به‌عنوان پیشران اصلی راهبردهای تهاجمی در مسیر کارآمدسازی اندیشه‌ورزی سیاسی روحانیت در فرایند حکمرانی گام دوم انقلاب اسلامی عمل کنند.

نقاط ضعف(W):

نقاط ضعف احصاء شده طبق جدول ذیل شماره دو(۲)، برخلاف سرمایه‌های فرهنگی و پشتوانه تاریخی نهاد روحانیت، عمدتاً در حوزه‌های معرفتی–گفتمانی، نهادی–ساختاری، عملکردی و انگیزشی بروز می‌کند که در صورت تداوم، ظرفیت‌های بالفعل این نهاد را محدود می‌سازد.

جدول شماره ۲

W_1	«ضعف‌های معرفتی و گفتمانی در حوزه نظریه پردازی بومی و گسست نظریه و عمل»	ناآشنایی بخش عمده‌ای از نهاد روحانیت با تحولات جامعه مدرن و مسائل عینی زندگی معاصر؛ فقدان گفتمان کلان راهبردی منسجم در عرصه حکمرانی و تمدن‌سازی؛ نگاه محدود به فقه سنتی با بی‌توجهی به امتداهای تمدنی و حکمرانی، فقدان سازوکارهای عملیاتی‌سازی ایده‌ها(گسست نظریه و عمل)، ناکارآمدی روشی نظام اجتهاد در مواجهه با مسائل نوظهور اجتماعی–سیاسی و همچنین، فقدان نظریه‌پردازی بومی در قلمرو علوم اجتماعی–سیاسی متناسب با اقتضائات جمهوری اسلامی(م۱-۱۲؛ کریمی، ۱۴۰۲ش، صص. ۱۲-۲۲).
W_2	«نارسایی‌های نهادی و ساختاری»	طولانی بودن فرآیند تحصیل و فقدان نظم هدفمند در مراحل مقدماتی، ضعف نظام‌مند در استعدادیابی، جهت‌دهی و تربیت نیروی انسانی متناسب با نیازهای

		نظام اسلامی، نبود نهادهای تخصصی کارآمد برای رصد افکار عمومی و جریان‌های اجتماعی، کمبود مراکز آموزشی ارتقابخش مهارت‌های هنری، رسانه‌ای و اقناعی(م۱-۱۲؛ خامنه‌ای، ۱۴۰۴ش، بیانیه حوزه پیشرو و کارآمد). این ضعف وجودی تمام نقاط قوت دیگر را در بلندمدت خنثی می‌کند.
W_3	«کاستی‌های عملکردی در حوزه پژوهش، تبلیغ و فرهنگ سیاسی» پ.ن:این ضعف نتیجه دو ضعف قبلی است.	غلبه رویکرد نظری–کتابخانه‌ای، فقدان پژوهش مشاهده‌محور انضمامی، پاسخ ناکافی به تحولات فرهنگی و رسانه‌ای، غلبه رویکرد تدافعی در برابر انحرافات غرب بجای اتخاذ تهاجم فکری و تولید گفتمان بدیل، سبب شده است که روحانیت در میدان فرهنگ سیاسی همواره در موضع واکنشی باقی بماند (م۱-۱۲؛ بستان نجفی، ۱۴۰۱ش، صص. ۱۲۱-۱۳۵).
W_4	«ضعف‌های اخلاقی، تهذیبی و انگیزشی»	وجود ضعف در تهذیب هدفمند و دوگانگی در تعریف اخلاق (میان اخلاق فردی و اخلاق مأموریتی متناسب با تمدن‌سازی)، کاهش روحیه جهادی و انقلابی در میان بخشی از بدنه حوزه، و تضعیف احساس مسئولیت اجتماعی (م۳، م۷، م۸، م۱۱، م۱۲؛ زارعی، ۱۴۰۳ش).
پیامد تحلیلی		در فقدان اصلاحات ساختاری، این ضعف‌ها تحت فشار تهدیدهای محیطی موجب کاهش کارکرد راهبردی روحانیت می‌گردند.

فرصت‌ها(O):

فرصت‌های پیش‌روی نهاد روحانیت در گام دوم انقلاب اسلامی در جدول ذیل شماره سه(۳)، عمدتاً به ظرفیت‌های بازتعریف ساختاری، پیوند با علوم و نهادهای نوین، و توانمندی در ارائه الگوهای بومی حکمرانی اسلامی مبتنی بر مبانی غنی در دسترس این نهاد بازمی‌گردد. این فرصت‌ها، اگر به‌درستی شناخته و به‌کار گرفته شوند، می‌توانند نهاد روحانیت را از سطح یک بازیگر سنتی به «موتور فکری تمدن‌ساز» در سپهر حکمرانی اسلامی ارتقا دهند.

جدول شماره ۳

O_1	«ظرفیت بازتعریف ساختاری و راهبردی با اتخاذ رویکرد سیستمی» پ.ن: حلقه واسط عملیاتی‌سازی سایر فرصت‌ها است.	اتخاذ رویکرد سیستمی توسط نهاد روحانیت موجب می‌شود اجزای ساختاری مانند آموزش، پژوهش، تبلیغ و روحانیت شاغل در نهادها، به تعامل و هم‌افزایی برسند و جزیره‌ای عمل نکنند تا این نهاد به‌مثابه موتور اندیشه‌ورزی حکمرانی اسلامی شناخته شده و جایگاه خود را در سطوح تنظیم‌گری و هدایت اجتماعی تقویت کند (م۱، م۶، م۷، م ۱۰؛ فروهی و عبداللهی، ۱۴۰۳ش، صص. ۲۸۵-۳۱۲).

O_2	«ظرفیت اجتهاد پویا و تعامل با علوم انسانی»	اجتهاد پویا، به‌عنوان ابزار بنیادین فقه شیعی، فرصت راهبردی دیگری برای نهاد روحانیت محسوب می‌شود که در تعامل هدفمند با علوم انسانی نوین و دیگر نهادهای فکری چون دانشگاه‌ها، می‌تواند در معماری نظام‌های متنوع اجتماعی (تعلیم، قضا، اقتصاد، خانواده، رسانه و...) به کار گرفته شود و به تولید پارادایم-های بومی بینجامد.
O_3	«تحول در کارکرد مرجعیت و نقش‌آفرینی تمدنی»	گذار از مرجعیت محدود به پاسخگویی استفتاءات فردی به مرجعیت تمدن‌ساز، نهاد روحانیت را به نهاد هادی فرهنگی–اجتماعی جامعه اسلامی تبدیل می‌کند (م۵، م۶، م۸، م۱۱).
O_4	«ظرفیت گفتمان‌سازی و پاسخ به بحران مشروعیت»	تولید گفتمان دینی مؤثر و بازسازی اعتماد عمومی، امکان حل منازعات اجتماعی–سیاسی و پاسخ به بحران مشروعیت را برای نهاد روحانیت فراهم می‌آورد (م۳، م۸، م۱۰، م۱۱؛ حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۷ش، صص. ۹۵-۱۲۲).
O_5	«فرصت بازیگری تمدنی و الگوسازی جهانی» پ.ن: این فرصت آرمانی در گرو حل اساسی نقاط ضعف داخلی است.	گذار از موضع ایجابی و گفتمان‌ساز در برابر تمدن غرب به ایجاد گفتمان بدیل و الگویی جهانی برای جوامع مسلمان و عدالت‌خواه، به نهاد روحانیت این امکان را می‌دهد که به‌عنوان محور تولید هویت و همبستگی امت اسلامی عمل کند.(م۱-۱۲؛ خرمشاد و همکاران، ۱۴۰۱ش، صص. ۱۷۹-۱۸۶).
پیامد تحلیلی		این فرصت‌ها امکان اتخاذ راهبردهایی برای جهش ظرفیت‌ها را از طریق هم‌ترازی آموزش، رسانه و دیپلماسی فکری، برای نهاد روحانیت فراهم می‌آورد.

تهدیدها(T)

تهدیدهای پیش روی نهاد روحانیت در گام دوم انقلاب اسلامی، بیش از آنکه ناشی از ضعف درونی باشد، محصول تحولات ساختاری در میدان سیاست، جامعه و فرهنگ جهانی است. این تهدیدها، اگر به‌صورت راهبردی شناسایی و مدیریت نشوند، می‌توانند کارآمدی نهاد را کاهش داده و سرمایه اجتماعی آن را تضعیف کنند.

جدول شماره ۴

T_1	«تهدید انزوا و حاشیه‌نشینی سیاسی دین» پ.ن: تمامیت پروژه	تلاش‌های سازمان‌یافته جریان‌های سکولار و رسانه‌های جهانی برای منزوی‌سازی صدای سیاسی دین و تقلیل آن به عرصه خصوصی و عبادی جهت به حاشیه راندن نقش اجتماعی–سیاسی نهاد روحانیت و تبدیل آن از نهاد هادی و معناساز به نهادی صرفاً عبادی که مشروعیت و نفوذ اجتماعی آن را محدود سازد(م۱، م۲، م۶، م۹، م۱۱، م۱۲؛

	حکمرانی دینی را هدف گرفته است.	حقیقت، بی‌تا، صص. ۲-۳).
T_2	«تهدیدنفوذ رسانه‌ای و فرهنگی» پ.ن: میدان نبرد اصلی تغییر نظام ارزیابی و محاسباتی جامعه است.	تحرک هدفمند دشمن در عرصه تربیت نیروی ضدفرهنگی و تسلط بر میدان رسانه‌ای، تهدید راهبردی دیگری برای روحانیت محسوب می‌شود. در شرایطی که رسانه‌های نوین به میدان اصلی شکل‌دهی افکار عمومی بدل شده‌اند، هرگونه عقب‌ماندگی روحانیت از این عرصه، به معنای از دست دادن ظرفیت اقناعی و گفتمانی است. این تهدید، با تضعیف ارتباط نهاد روحانیت با نسل‌های جوان، خطر فرسایش مشروعیت را به همراه دارد(م۱، م۲، م۵، م۸، م۱۰؛ بدرخوانی، ۱۳۹۹ش، صص. ۳۹-۴۵).
T_3	«تهدید تحجر درون حوزوی و جایگزینی رسالت انقلابی»	خطر نفوذ گفتمان تحجر و جایگزینی رسالت انقلابی و برون‌گرای نهاد روحانیت با قرائت‌های ایزوله‌گرایانه، تهدیدی است که از درون نهاد قابل تشدید است و این نهاد را از ایفای نقش تمدن‌ساز بازخواهد گذاشت و در برابر جریان‌های رقیب نیز ضعیف‌تر جلوه خواهد کرد(م۳، م۴، م۷، م۱۲؛ پیروزمند، ۱۴۰۴ش، صص. ۱-۲).
T_4	«تهدید وابستگی شدید و کاهش استقلال نهادی»	کاهش استقلال روحانیت بر اثر ادغام بیش از حد در سازوکارهای قدرت سیاسی، تهدیدی جدی است که مرجعیت اخلاقی و اجتماعی این نهاد را تحت‌الشعاع قرار داده و آن را از نقش واسط میان مردم و حاکمیت به یکی از نهادهای حکومتی تقلیل خواهد داد و تداوم این روند می‌تواند به فرسایش اعتماد عمومی و کاهش سرمایه نمادین روحانیت بینجامد.(م۲، م۸، م۱۱؛ شفیعی، ۱۳۹۵ش، صص. ۱-۵).
T_5	«تهدید عدم نگرش راهبردی به مسائل، تورم مأموریت‌ها و بحران کارکردی»	تمرکز بیش از اندازه بر مسائل غیراولویت‌دار و جزئی، به‌ویژه در شرایط بحران‌های جدی کشور، خطر بروز تورم مأموریت‌ها و نداشتن نگرش راهبردی کل‌نگر را به همراه دارد. این پدیده، موجب تعارض میان نقش‌های گوناگون روحانیت شده و ظرفیت نهادی آن را در حل مسائل واقعی جامعه تضعیف می‌کند. در چنین شرایطی، نهاد روحانیت با بحران کارکردی مواجه خواهد شد که از یک‌سو منابع انسانی و فکری آن را فرسوده می‌کند و از سوی دیگر، توانایی آن در تولید راه‌حل‌های راهبردی را کاهش می‌دهد(م۷، م۸، م۱۱؛ صادقی، ۱۴۰۰ش، صص. ۱۰-۱۹).
پیامد تحلیلی		ضرورت اتخاذ راهبردهایی برای صیانت از مشروعیت و تبدیل تهدیدها به اهرم بازآرایی نهادی نهاد روحانیت لازم است.

جمع بندی

بر اســاس امتیازگیری نخبگانی به روش (Likert) نسـبت به وزن داده‌های حاصـله ماتریس SWOT تحت نظارت دو خبره، امتیازات طبق جدول ذیل، موقعیت غالب اندیشـه‌ورزی سـیاسـی نهاد روحانیت در فرایند حکمرانی را تدافعی (WT) تشخیص داد. با این توضیح که درست است نهاد روحانیت از نقاط قوت بالایی به عنوان سـکوی پرتاب برای تحول برخوردار اسـت اما نقاط ضعف ساختاری و معرفتی به اندازه‌ای عمیق است که می‌تواند تمام نقاط قوت را تحت الشعاع قرار دهد و مانع بهره‌برداری از فرصـت‌ها شـود. تهدیدها نیز از همه عوامل قوی‌تر بوده و محیط بیرونی به شـدت خصـمانه و پرچالش اسـت. لذا با وجود پایگاه قوی (S) و فرصـت‌های عالی (O)، نهاد روحانیت به دلیل ضعف‌های شدید داخلی (W) در معرض تهدیدهای بیرونی بسیار (T) قرار دارد. بنابراین، این نهاد فاقد لوازم لازم برای یک استراتژی کاملاً تهاجمی (SO) است، لذا نهاد باید ابتدا برراهبردهای WT متمرکز شـود تا پس از آن بتواند از فرصـت‌های بیرونی (O) برای مقابله با تهدیدها (T) استفاده کند.

جدول شماره ۵

دسته SWOT	میانگین امتیاز
نقاط قوت	4.1
نقاط ضعف	4.3
نقاط فرصت	3.9
نقاط تهدید	4.4

بخش دوم: طراحی سؤالات مرحله دوم مصاحبه‌ها

در این مرحله با توجه به آنکه نتایج تحلیل SWOT در مرحله قبل نشـان داد که موقعیت فعلی غالب اندیشـه‌ورزی سیاسی نهاد روحانیت در فرایند حکمرانی انقلاب اسلامی عبارت از وضعیت (WT) است، تمرکز اصلی بر طراحی و فرمالیته‌سازی سوالات بگونه هم‌راستا با این موقعیت، برای انجام مصاحبه‌های تعمیقی نیمه‌ساختاریافته جهت احصاء راهبردهای عملیاتی بود.

با این حال، این رویکرد به معنای غفلت از سایر ابعاد تحلیل نبود و در فرایند طراحی سوالات و احصـــاء راهبردها، نیم‌نگاهی جدی هم به نقاط قوت و فرصـــت‌های بدســـت آمده از مرحله وضعیت‌سنجی وجود داشت.

ســـؤالات طبق جدول ذیل، تحت نظر دو نفر از نخبگان خبره به‌گونه‌ای فرموله شـــدند که: هم ابعاد موقعیت کنونی (WT) با نیم‌نگاهی به دیگر ابعاد وضـــعیت‌ســـنجی را عمیق‌تر واکاوی کنند و هم با سه مؤلفه مدل مدیریت دانش بومی‌سازی شده برای این پژوهش هم‌راستا باشند.

جدول شماره ۶

مولفه مدیریت دانش	سوال مصاحبه	مولفه مرتبط SWOT
تولید ایده‌ها	۱. چه سازوکارهای نهادی و روش‌شناختی‌ای را برای کاربست "اجتهاد پویا" در مواجهه با مسائل نوپدید حکمرانی پیشنهاد می‌کنید تا خلأ بین تحلیل دینی و قابلیت سیاست‌گذاری کاهش یابد؟	W_1, W_2
	۲. تجربه تاریخی روحانیت با چه راهبردهایی می‌تواند به مدل‌های آموزشی استاندارد و دستورالعمل‌های سیاستی برای نسل جدید تبدیل شود؟	W_2, S_6
	۳. اسناد بالادستی مانند بیانیه گام دوم انقلاب چه پنجره‌های راهبردی برای بازتعریف نقش روحانیت و تولید گفتمان سیاسی پایدار برای مقابله با جریانات رقیب باز کرده است؟	T_1, O_5
	۴. تحولات منطقه‌ای و جهانی چگونه می‌توانند به موتور محرکی برای تولید نظریه‌های سیاسی بومی و تقویت دیپلماسی فکری روحانیت تبدیل شوند؟	T_1, O_5
تسهیم و انتشار ایده‌ها	۵. شبکه گسترده ارتباطی در دسترس نهاد روحانیت اعم از مساجد، نهادهای تبلیغی-فرهنگی، موسسات تخصصی، حوزه‌های علمیه استانی و شهرستانی چگونه می‌توانند به یک سامانه هوشمند مدیریت دانش و رصد افکار عمومی برای مقابله با جنگ شناختی دشمن ارتقا یابند؟	T_2, S_3
	۶. برای مقابله با عملیات شناختی و جنگ نرم علیه نهاد روحانیت و ارتقای مهارت و توان روایت‌گری رسانه‌ای و دیجیتال آن، چه راهبردهایی پیشنهاد می‌دهید؟	T_2, W_3
	۷. چه سازوکارهای هماهنگی بین مراکز تولید فکر حوزوی پیشنهاد می‌دهید تا از موازی‌کاری جلوگیری شود؟	W_2, O_1

مولفه مدیریت دانش	سوال مصاحبه	مولفه مرتبط SWOT
بازخورد و بازتولید ایده‌ها	۸. فرآیند دریافت بازخورد و رهگیری از جامعه و نظام حکمرانی درباره اثرگذاری گفتمان سیاسی روحانیت در فرایند حکمرانی نظام اسلامی چگونه باید سازمان‌یافته و دیجیتالیزه شود؟	T_4, T_5
	۹. در شرایط بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، چه راهبردهایی می‌تواند سرمایه اجتماعی روحانیت را حفظ و آن را مصون نگه دارد؟	T_4, S_4
	۱۰. حمایت نهادهای حاکمیتی از اندیشه‌ورزی سیاسی روحانیت در فرایند حکمرانی چگونه باید باشد که منجر به وابستگی و کاهش استقلال این نهاد نشود ؟	T_4, S_2
	۱۱. چه راهبردهای ساختاری در نظام اسلامی پیشنهاد می‌کنید تا فرهنگ تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مبتنی بر ایده‌های حکمرانی تولید شده توسط نهاد روحانیت نهادینه شود؟	T_3, S_2, O_1
	۱۲. راهبرد عملیاتی شما برای مقابله هوشمندانه با دوجریان متحجر داخلی در نهاد روحانیت و روشنفکرنماهای انحرافی مروج سکولاریسم و تقلیل دین در عرصه‌ی حکمرانی چیست؟	T_1, T_3

بخش سوم: استخراج راهبردها و ادغام در مدل بومی مدیریت دانش

بخش سوم یافته‌های پژوهش کنونی به احصاء و تحلیل راهبردهای عملیاتی مستخرج از مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته مرحله دوم با ۱۲ نفر از نخبگان، با استفاده از سوالات طراحی شده در مرحله قبل متناسب با موقعیت غالب بدست آمده از وضعیت سنجی اندیشه‌ورزی سیاسی روحانیت در فرایند حکمرانی انقلاب اسلامی با انجام تحلیل(SWOT) اختصاص دارد.

داده‌های احصاء شده در این مرحله پس از تحلیل مضمون و مورد پایایی و راستی‌آزمایی قرار گرفتن توسط ۳ خبره، منجر به شناسایی خوشه‌های معنایی فراگیر شد که تجمیع آنها در قالب راهبردهای عمیلاتی هم‌راستا با سه مولفه اصلی مدل مدیریت دانش بومی‌سازی شده برای این پژوهش که عبارت از:

۱. راهبردهای توانمندسازی تولید ایده‌های سیاسی اسلامی در راستای الزامات حکمرانی گام دوم انقلاب اسلامی؛

۲. راهبردهای تسهیم و به اشتراک‌گذاری ایده‌ها؛

۳. راهبردهای بازخوردگیری میزان تحقق و بازتولید ایده‌ها متناسب با خلاء، بود، طبق جدول ذیل به این شرح است:

جدول شماره ۷

مولفه مدیریت دانش	راهبردهای کلیدی	کد مرتبط SWOT
تولید ایده‌ها	تدوین دایره المعارف جامع مفاهیم سیاسی و حکمرانی بر مبنای معارف اسلامی و اندیشه امامین و اندیشمندان تراز اول انقلاب اسلامی به عنوان زیرساخت نظری متمرکز برای پرهیز از تشتت در گفتمان و نگرش به این مفاهیم در اسناد بالادستی (م۳، م۸، م۹، م۱۲).	$W_1, W_3, O_2, S_2, T_1, T_5$
	ایجاد کرسی‌های اجتهاد حکمرانی با رویکرد اجتهاد پویا در حوزه علمیه با تمرکز بر حل مسائل نوپدید سیاست‌گذاری عمومی و استخراج الگوی بومی حکمرانی با رویکرد اسلامی در امتداد نظریه ولایت فقیه (م۱، م۴، م۷، م۱۱).	$W_1, W_3, S_2, O_2, T_1, T_5$
	برگزاری دوره‌های تخصصی علوم سیاسی و حکمرانی برای طلاب و اساتید، با مشارکت دانشگاه‌ها و موسسات آکادمیک با رویکرد دینی همچون دانشگاه باقرالعلوم(ع)، برای رفع شکاف دانشی و میان‌رشته‌ای (م۱، م۲، م۵، م۸، م۹، م۱۱).	W_1, W_2, O_2, T_1, T_5
	مستندسازی تجربیات تاریخی روحانیت (صفویه، نهضت مشروطه، انقلاب اسلامی، دوره جمهوری اسلامی) به‌عنوان منابع نظری و آموزشی جهت اسکن-کردن و تطبیق با مسائل عصر کنونی (م۱-۱۲).	W_1, W_4, S_6, T_1, T_5
	تقویت و حمایت از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای برای پیوند فقه نظام با دانش سیاست عمومی، روابط بین‌الملل و حکمرانی (م۲، م۵، م۶، م۹، م۱۲).	W_1, W_3, T_1, T_5
تسهیم و انتشار ایده‌ها	ایجاد نظام سیستمی یکپارچه برای هم‌افزایی روحانیت آموزش‌محور، پژوهش-محور، تبلیغ‌محور و روحانیت شاغل در نهادهای نظام اسلامی به منظور هم-راستاسازی آنها در تشخیص اولویت‌ها و تحصیل بینش راهبردی کلان برای نیفتادن در دام جزئیات بیهوده و همچنین جلوگیری از پراکندگی و موازی‌کاری	T_1, T_2, W_2

مولفه مدیریت دانش	راهبردهای کلیدی	کد مرتبط SWOT
	جهت تضمین کارآمدی سیستم در نیل به اهداف کلان با تبادل سریع و نظام‌مند ایده‌ها بین اجزاء نهاد (م۴، م۷، م۱۰).	
	نظام‌مند ساختن بسترهای ارتباطی در دسترس روحانیت اعم از مساجد و حوزه‌های علمیه استانی و شهرستانی به عنوان پایگاه‌های هوشمند داده‌کاو، جهت جمع‌آوری و پایش دغدغه‌ها و شبهات مردم و ایجاد یک ابرمرکز داده ملی برای تحلیل کلان‌داده‌های احصاء شده و تولید محتوای هدفمند هم‌راستا با آنها (م۷، م۱۰).	$S_4, W_2, W_3, O_1, T_2, T_5$
	ایجاد بستر بهره‌گیری درست از فناوری‌های نوین ارتباطی و پلتفرم‌های دیجیتال و تقویت مهارت‌های رسانه‌ای و ارتباطی روحانیت با طراحی دوره‌های اجباری در تحصیل مهارت‌هایی چون مناظره، تولید محتوای دیجیتال و مدیریت شبکه‌های اجتماعی برای طلاب جهت روایت‌گری و گفتمان‌سازی مؤثر آنها در فضای رقابتی رسانه‌ای (م۳، م۴، م۵، م۷، م۸، م۱۰).	T_2, T_5, W_3, O_4
	تدوین الگوی جامع گفتمان‌سازی سیاسی نهاد روحانیت برای استفاده سیستماتیک در شبکه‌های ارتباطی چون مساجد و نهادهای حوزوی برای نیل به گفتمان راهبردی مشترک و عاری از تفرقه در شناخت و تحلیل پدیده‌های سیاسی (م۱، م۶، م۷، م۸، م۱۰، م۱۱).	W_3, T_2, T_4, T_5, O_4
بازخوردگیری و بازتولید ایده‌ها	انجام نظرسنجی‌های مستم جهت بازخوردگیری از نخبگان، مردم و نهادهای حکمرانی برای ارزیابی اثربخشی ایده‌های تولید شده توسط نهاد روحانیت (م ۵، م۱۱).	$S_1, S_5, W_3, O_3, T_1, T_2, T_4, T_5$
	تشکیل شورای سنجش اندیشه‌ورزی روحانیت، با مأموریت سنجش میزان کارآمدی نهادهای اندیشه‌ورز موجود در درون نهاد، با ابزار بازخوردهای جمع‌آوری شده از آنها و ارائه راهکارهای ترمیمی برای رفع خلاءها و موانع عدم موفقیت آنها (م۳، م ۱۰، م۱۲).	$S_1, S_3, W_2, W_3, O_3, T_3, T_5$
	پیاده‌سازی چارچوب نقد درون نهادی و فرهنگ بازاندیشی مستمر و پاسخگویی توام با شفافیت در برابر بازخوردهای دریافت‌شده از جامعه بر اساس داده‌های عینی و تغییرات محیطی در تمام اجزاء نهاد روحانیت (م۲، م۵، م۹).	S_1, T_5, W_1, O_1

مولفه مدیریت دانش	راهبردهای کلیدی	کد مرتبط SWOT
	طراحی سازوکارهای مواجهه پویا با جامعه توسط نهاد روحانیت به عنوان حلقه واسط بین حاکمیت و مردم در شرایط بحران (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی) برای حفظ سرمایه و انسجام اجتماعی با ایجاد اتاق فرمان عملیات روانی واحد جهت رصد، شناسایی و پاسخگویی سریع و هماهنگ به شبهات و حملات (م۳، م۸، م۹).	T_2, T_4, T_5, S_4, O_4

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش کنونی که با هدف کابردی تبیین راهبردهای کارآمدسازی اندیشه‌ورزی سیاسی نهاد روحانیت در فرایند حکمرانی گام دوم انقلاب اسلامی بر پایه تحلیل کیفی داده‌های دو مرحله مصاحبه و تحلیل ثانوی اسناد پیشین و بهره‌گیری از چارچوب تحلیلی SWOT همراه با امتیازگیری نخبگانی و چارچوب مفهومی مبتنی بر تعاریف مختار از واژگان کلیدی و مدل بومی‌سازی شده مدیریت دانش انجام شد، نشان می‌دهد که نهاد روحانیت در مواجهه با چالش‌های حکمرانی در افق تمدنی گام دوم، در موقعیت راهبردی تدافعی (WT) قرار دارد.

این موقعیت حاکی از آن است که اگرچه این نهاد از پشتوانه تاریخی، مشروعیت دینی و سرمایه نمادین قابل توجهی برخوردار است، اما ضعف‌های ساختاری و معرفتی عمیق (مانند گسست نظریه و عمل، نارسایی در نظام استعدادیابی و آموزش، و ضعف در پژوهش‌های مسئله‌محورو مشاهده-محور) و همچنین تهدیدهای محیطی فزاینده (از جمله جنگ نرم شناختی، برخی جریانات تحجر درونی، وابستگی نهادی و فشار برای عرفی‌سازی) به گونه‌ای است که می‌تواند ظرفیت‌های بالفعل آن را خنثی کرده و مانع بهره‌برداری از فرصت‌های بی‌بدیل (همچون اجتهاد پویا، تعامل با علوم انسانی و نقش‌آفرینی تمدنی) گردد.

در پاسخ به این چالش‌ها، راهبردهای استخراج‌شده در ذیل سه مؤلفه مدل مدیریت دانش بومی‌سازی شده برای این پژوهش متشکل از تولید، تسهیم و بازتولید ایده‌های سیاسی ارائه گردید.

یافته‌ها به وضوح نشان می‌دهد که کارآمدی اندیشه‌ورزی سیاسی روحانیت در گرو نگاه سیستمی و چرخه‌ای به این فرآیند است.

به عبارت دیگر، تولید ایده‌های ناب حکمرانی بومی‌سازی شده بدون سامانه و شبکه‌های هوشمند تسهیم و انتشار، به انزوا می‌گراید؛ انتشار ایده‌ها بدون مکانیزم‌های مستمر بازخوردگیری و ارزیابی اثرگذاری نیز به تکرار و مصرف‌گرایی می‌انجامد؛ و بازخورد بدون بازتولید مبتنی بر آن، موجب انفعال و از دست دادن نقش پیش‌تازی در مواجهه با دیگر رقبا می‌شود.

نوآوری این پژوهش در ارائه الگویی یکپارچه و بومی است که این حلقه‌ها را به هم پیوند می‌زند. تحقق این الگو مستلزم تحول در چند سطح است:

۱. در سطح معرفتی: گذار از فقه فردی به سمت فقه حکمرانی و نظام‌سازی از طریق ایجاد کرسی‌های اجتهاد پویا و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای؛
۲. در سطح نهادی: بازتعریف ساختارهای آموزشی، پژوهشی و تبلیغی حوزه‌های علمیه با رویکرد مسئله‌محوری و آینده‌نگاری، و ایجاد نهادهای تخصصی رصد داده و تحلیل گفتمان؛
۳. در سطح کارکردی: ارتقای مهارت‌های رسانه‌ای، روایت‌گری و دیپلماسی فکری روحانیت برای اثرگذاری در فضای عمومی و مقابله هوشمندانه با جنگ نرم شناختی.

ایجاد تحول در سطوح بالا موجب می‌شود که بنیان مفهومی مستحکم و بومی بر اساس فهم واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی کشور شکل گیرد و شبکه‌ای از مفاهیم و ارزش‌ها، هم اسلامی–انقلابی و هم سازگار با تحولات جهانی، ترسیم شود. واژگان کلیدی نظام اسلامی، مانند عدالت، مقاومت، آزادی و معنویت، با اجتهاد در منابع، مطالعات تطبیقی با مدل‌های موفق حکومت‌داری و تحلیل داده‌های اجتماعی، تدقیق و شفاف‌سازی شوند.

همچنین در بعد عملی، تصویر «جامعه مطلوب» بر اساس اسناد بالادستی، لحاظ محدودیت‌ها و مقدورات (تحریم، جنگ نرم، شکاف نسلی) و شیوه مواجهه با آن‌ها شناسایی شوند تا روحانیت نه صرفاً با موضع‌گیری خطابی، بلکه با ارائه نسخه‌های اجرایی برای مسائل معیشتی، آموزشی و اخلاقی، وارد سیاست‌گذاری شده و ماهیت بین‌رشته‌ای سیاست در حوزه‌هایی چون اقتصاد، رسانه، روان‌شناسی اجتماعی، فناوری و دیپلماسی دیجیتال را در اندیشه‌ورزی خود لحاظ کند.

نتیجه اینکه اتخاذ چنین رویکرد تحولی مبتنی بر مواردی چون رصد تحولات داخلی و جهانی؛ شفاف‌سازی و ارائه بدیل مفاهیم سیاسی و حکمرانی در پارادایم‌های بومی؛ اقناع جامعه با جلب اعتماد و همراهی با مردم؛ حضور در تصمیم‌سازی با ارائه پیشنهاد به سیاست‌گذاران (گزارش‌های سیاستی به مجلس و دولت) و مقاومت فعال با ایستادگی خلاقانه در برابر جنگ نرم شناختی، توسط نهاد روحانیت، منجر به به ارتقای کیفیت حکمرانی و تصمیم‌سازی در جمهوری اسلامی خواهد گردید و ظرفیت یادگیری نهادی، تاب‌آوری سیاست‌گذاری و پیوند نسلی میان جامعه و نهاد دین را نیز افزایش خواهد داد. همچنین موجب گذار از وضعیت تدافعی کنونی به موضع فعال و پیش‌دستانه، به شرط اجرایی‌سازی راهبردهایی که بر اصلاح داخلی و تقویت توانمندی‌های نرم تأکید دارند، خواهد شد تا این نهاد بتواند همچنان به عنوان مؤثرترین نهاد مرجع فکری در تولید گفتمان مشروعیت‌بخش و هدایت جامعه اسلامی در روند ایجاد تمدن نوین اسلامی عمل نماید. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به بررسی موانع اجرایی‌سازی این راهبردها و نیز سنجش میزان اثربخشی آنها بپردازند.

فهرست منابع

اقبال، ح.، و رجبی‌فرجاد، ح. (۱۳۹۹). الگوی حکمرانی خوب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۳۵)، ۱۱۱–۱۳۶. https://doi.org/10.22034/psl.2021.1220771 .

اکبرزاده، ف. (۱۳۸۰). نقش رهبری در نهضت مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. https://www.gisoom.com/book/1200304 .

بالوی، م.، و بیات، م. (۱۳۹۳). اندیشه حکمرانی و مبنای مشروعیت سیاسی دولت از منظر امام خمینی (ره). پژوهش‌های فقهی، ۱۰(۳)، ۵۴۹–۵۸۴. https://doi.org/10.22059/jorr.2014.525845 .

باغستانی، س. (۱۳۹۹). بررسی دیدگاه مستشرقین از نقش مدیریت و معماری روحانیت در انقلاب اسلامی ایران. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۷(۶۱)، ۱۵۵–۱۷۶. https://ensani.ir/fa/article/448862 .

بستان‌نجفی، ح. (۱۴۰۱). ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و آسیب‌های نقش تبلیغی روحانیت در ایران معاصر. دین و سیاست فرهنگی، ۹(۲)، ۱۲۱–۱۴۱. https://www.magiran.com/paper/2574478 .

بدرخانی، غ. (۱۳۹۹). ابزارهای نوین ارتباطی و روحانیت؛ چالش‌ها و فرصت‌ها. ره‌آورد نور، (۷۲)، ۳۹–۴۷ . https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1720606

براتلو، ف. (۱۴۰۲). شناخت چارچوب مفهومی حکمرانی سازمانی با استفاده از روش فراترکیب. حکمرانی و توسعه، ۳(۱)، ۱۲۱–۱۴۴. https://doi.org/10.22111/jipaa.2023.384434.1095 .

بشیریه، ح. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران: نشر نی . https://nashreney.com/product/جامعه-شناسی-سیاسی

بیدگلی، م.، و زیباکلام، ص. (۱۳۹۸). نقش نهاد مرجعیت و روحانیت شیعه در گفتمان مشروطه‌خواهی ایران. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۵(۴۷)، ۱–۱۸. https://journals.iau.ir/article_665469.html .

پیروزمند، ع. (۰۵/۰۳/۱۴۰۴). تحجر و انفعال، دو جریان مانع ورود حوزه به سیاست و حکمرانی. خبرگزاری تسنیم https://www.tasnimnews.com/fa/news/1404/03/05/3321643 .

تبریزی، م. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۱(۶۴)، ۱۰۵–۱۳۸. http://doi.org/10.22054/qjss.2014.344 .

حقیقت، س.ص. (بی‌تا). تشیع و عرفی‌گرایی. پایگاه اطلاع‌رسانی سید صادق حقیقت-https://www.s haghighat.ir/articles/view/81/1 .

حسن‌پور، ع.، نظری، ع.ا.، و ابطحی، س.م. (۱۳۹۷). روحانیت، فرایندهای هویت‌بخشی و هژمونی گفتمان انقلاب اسلامی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۸(۱)، ۹۵–۱۲۲ . https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1412654

خراسانی، ف.ح.، رفیعی، ا.، آبادی، س.ا.م.، و قریشی، س.ح. (۱۴۰۰). بررسی نقش روحانیت و روشنفکری در نهضت مشروطه. مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، ۷(۱۴)، ۱۵۷–۱۸۱ . https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1982106

خرمشاد، م.ب.، جمشیدیان، ه.، آقایی‌فیروزآبادی، س.ح.، اختری، م.ح.، و راشد، ع. (۱۴۰۱). شبکه‌سازی شیعیان جهان؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو. فصلنامه امنیت ملی، ۱۲(۴۵)، ۱۷۹–۲۰۶ . https://civilica.com/doc/1606729

رمضانی‌بیگدلی، ح.، رحمتی، م.ح.، و طوطیان‌اصفهانی، ص. (۱۴۰۳). سرمایه اجتماعی در سازمان فضیلت‌محور: مؤلفه‌های تشخیص سرمایه اجتماعی در اماکن متبرکه مذهبی. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۱(۲)، ۱۷۱–۱۸۵ . https://doi.org/10.22059/JSCM.2023.362705.2431

رحمانی، ف. (۱۳۹۷). کاربرد روش گلوله برفی در پژوهش‌های کیفی. فصلنامه علمی‌پژوهشی جامعه‌شناسی، ۲۲(۱), ۳۵–۵۴. https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=549812 .

زارعی، م. (۱۴۰۳). حوزه و تهذیب و تربیت. سیزدهمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روان‌شناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی. ۱–۱۱ https://civilica.com/doc/2001433 .

ز.س. کشاورز، م.ع. چلونگر، و ا. منتظرالقائم. (۱۴۰۰). بررسی زمینه‌های شکل‌گیری تعادل نهادی سنتی در عصر صفویه. مطالعات تاریخی جهان اسلام، ۹(۱۸)، ۹–۳۶. https://doi.org/10.22034/mte.2021.8669.129 .

شفیعی، م. (۱۳۹۵). استقلال مالی حوزه‌های علمیه. پایگاه اطلاع‌رسانی راسخون . https://rasekhoon.net/article/show/1253053

شیرخانی، ع.، و رضایی، م. (۱۳۹۰). نقش روحانیت در انقلاب مشروطه. مطالعات انقلاب اسلامی، ۸(۲۵)، ۸۵–۱۱۰. https://sid.ir/paper/126649/fa .

صادقی، ه. (۱۴۰۰). فضای مجازی و وظایف روحانیت. حوزه، ۳۸(۱۲–۱۳)، ۱۰–۱۹. https://doi.org/10.22081/ih.2021.74063

طلایی، پ.، و سنجری‌پور، د. (۱۳۹۷). گردش نخبگان در گروه‌های اجتماعی خاص و حفظ تعادل نظام از منظر پارتو. پژوهشنامه تمدن ایرانی، ۱(۱)، ۱۲۳–۱۴۰. https://doi.org/10.22103/JIC.2019.2226 .

عبدی‌نژاد، ا.ر. (۱۳۹۶). تبیین رابطه فقه نظام و علوم انسانی و نقش آن در تحقق تمدن نوین اسلامی. فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۳(۱)، ۳۱–۵۰. http://frh.sccsr.ac.ir/article-1-54-fa.html .

عیسی‌نیا، ر. (۱۴۰۰). بررسی منزلت اجتماعی–سیاسی روحانیت و تغییرات آن در چهار دهه جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه سیاست متعالیه، ۹(۳۲)، ۹–۲۷. https://civilica.com/doc/1251347 .

عیسی‌نیا، ر. (۱۳۹۹). موقعیت و جایگاه روحانیت در جامعه منتظر. جامعه مهدوی، ۱(۲)، ۱۳۸–۱۶۱. https://civilica.com/doc/1152495

غفاری‌پور، ی. (۱۳۹۳). نقش حوزه‌های علمیه در حیات و استمرار تمدن اسلامی. مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی. https://civilica.com/doc/300682 .

فروهی، آ.، و عبداللهی، ف. (۱۴۰۳). طراحی مدلی برای نقش‌آفرینی روحانیون در تمدن‌سازی اسلامی بر اساس الگوی داده‌بنیاد. مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۷(۲)، ۲۸۵–۳۱۲. https://doi.org/10.22070/nic.2024.18578.1276

کریمی، س. (۱۴۰۲). بررسی نقش معرفت دینی در مقابله با بحران‌های معنوی و اجتماعی معاصر. معرفت و بصیرت اسلامی، ۱(۱)، ۱۲–۲۲. https://journaliki.com/index.php/journaliki/article/view/2 .

مدرسه حکمرانی شهید بهشتی. (بی‌تا). تعاریف و مفاهیم حکمرانی: معادل‌های فارسی واژه governance. مدرسه حکمرانی شهید بهشتی. https://governanceschool.ir/fa/tag/1040/حکمرانی.

معینی‌پور، م. (۱۳۹۶). روحانیت و امر سیاسی: پنج وضعیت تاریخی از دوره صفویه تا امروز. سایت مباحثات. https://mobahesat.ir/15301

ملکتاج‌خسروی، م.، و مسعود، ز. (۱۳۹۱). سنجش نقش روحانیت در جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران. پژوهش در روابط بین‌الملل، ۵(۱۸)، ۹۳–۱۲۴. https://sanad.iau.ir/Journal/prb/Article/1066497/FullText

موسوی، م.، پرتوی، ا.، و کریمی، س. (۱۴۰۰). مبانی مشروعیت جمهوری اسلامی ایران (رابطه دانش و مشروعیت). مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۷(۱)، ۲۵–۵۰. https://doi.org/10.22034/psl.2021.1502211

نبوی، س.م. (۱۳۹۷). جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های کارآمدی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱–۳۲۶. https://ketabja.ir/product / جمهوری-اسلامی-ایران-و-چالش‌های-کارآمد

نادری‌فر، م. و همکاران. (۱۳۹۶). گلوله برفی، روشی هدفمند در نمونه‌گیری تحقیقات کیفی. گام‌های توسعه در آموزش، ۱۴(۳)، ۱۷۱–۱۷۹ https://www.magiran.com/p1771426 .

نوری‌گلجایی، ع.، نصیری، ع.ا.، و سپهر، م.م. (۱۴۰۰). نقش روحانیت در پیشبرد گام دوم انقلاب اسلامی. مقالات اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی، مدرسه حکمرانی شهید بهشتی . https://governanceschool.ir/fa/download/79

Ansoff, H. I. (1957). Strategies for diversification. Harvard Business Review, 35(5), 113–124. https://archive.org/details/strategiesfordiversificationansoff1957hbr

Bennett, W. L., & Pfetsch, B. (2018). Rethinking political communication in a time of disrupted public spheres. Journal of Communication, 68(2), 243–253. https://doi.org/10.1093/joc/jqx017

Castells, M. (2000). Materials for an exploratory theory of the network society. British Journal of Sociology, 51(1), 5–24. https://www.doccentre.net/docsweb/Information_dev/documents_info/castels_paper.htm

Castells, M. (2009). Communication power. Oxford University Press. https://poscomufes2014.wordpress.com/wp-content/uploads/2014/05/communication-power-manuel-castells.pdf

Fischer, F. (2003). Reframing public policy: Discursive politics and deliberative practices. Oxford University Press. https://doi.org/10.1093/019924264X.002.0001

Habermas, J. (1991). The structural transformation of the public sphere: An inquiry into a category of bourgeois society (T. Burger & F. Lawrence, Trans). MIT Press. (Original work published 1962) http://mitpress.mit.edu/9780262581080

Maxwell, J. A. (2013). Qualitative research design: An interactive approach (3rd ed.). SAGE Publications. https://doi.org/10.4135/9781452276158

McGann, J. G. (2017). Think tanks, politics and the policy-making process: Catalysts for ideas and action. In M. Howlett & I. Mukherjee (Eds.), Handbook of policy formulation (pp. 373–393). Edward Elgar Publishing. https://doi.org/10.4337/9781784719326.00032

Mintzberg, H. (1987). The strategy concept I: Five Ps for strategy. California Management Review, 30(1), 11–24. https://doi.org/10.2307/41165263

Mouffe, C. (2005). On the political. Routledge. https://doi.org/10.4324/9780203870112

Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD). (2021). Applying evaluation criteria thoughtfully. OECD Publishing. https://doi.org/10.1787/543e84ed-en

Pierre, J., & Peters, B. G. (2000). Governance, politics and the state. Macmillan. https://doi.org/10.1007/978-1-349-62397-6

Porter, M. E. (1996). What is strategy? Harvard Business Review, 74(6), 61–78. https://hbr.org/1996/11/what-is-strategy

Rhodes, R. A. W. (2012). Waves of governance. In D. Levi-Faur (Ed.), The Oxford handbook of governance (pp. 33–48). Oxford University Press. https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199560530.013.0003

Schilling, M. A. (2023). Strategic management of technological innovation (7th ed.). McGraw-Hill Education. https://www.mheducation.com/highered/product/Strategic-Management-of-Technological-Innovation-Schilling